

مهارت ها مربوط به خانواده



محمد تقی صرفی پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عفاف در خانواده

.. لَا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ (انعام / ۱۵۱، اعراف / ۳۳

نزدیک فحشا نشوید چه فحشای ظاهر و چه فحشای باطن

یکی از ویژگی های مومن پاکدامنی است

قرآن یکی از ویژگی های مؤمنان راستین را، عفاف و پاک دامنی می داند و می فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ
لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ؛ آنان [مؤمنان] کسانی هستند که دامان خویش را از بی عفتی حفظ می کنند

فرمود: زنی که خود را زینت و خوشبو نماید و از خانه اش خارج شود و شوهرش به این کار راضی
باشد پیامبر اکرم (ص) فرمود: «هر مردی که زنش زینت کرده بیرون رود، دیوث است! و برای هر قدمی
که این زن بر می دارد برای شوهرش خانه ای در جهنم بنا می شود

رسول خدا (ص) فرمودند: خداوند هفت نفر را لعنت کردند که یکی از آنها مردی است که نسبت به
پوشش و عفت همسرش بی توجه

است.

یکی از مسائل خیلی مهم خانواده ها مسئله پاکدامنی هست پاکدامنی توی خانواده خیلی مهمه .

..وقتی پیامبر تقسیم کار کرد)

روایت است که رسول خدا(ص) در زمینه ی تقسیم کار این گونه داوری کردند: فاطمه(س) را مأمور به انجام امور داخل خانه نمود و علی(ع) را نیز به امور خارج از خانه مامور ساخت. دختر پیامبر از این تقسیم کار فوق العاده خوش حال شد و چنین اظهار داشت: «جز خداوند نمی داند که من از چنین تقسیمی چه قدر خوش حال شدم زیرا پدرم رسول خدا مرا از گریبان گیر شدن با مردان معاف داشته ».

است.»

آقا اکثر مردم ایران رعایت میکنند ولی بعضی از مردم رعایت نمیکنن

میبینی خانم خونه وضع لباساش ... دم در میاد وایمیسه میبینی تمام تشکیلاتش پیدااست مقصر مرد هست ها دخترش میاد بیرون میبینی وضعش خرابه مسئول خانواده مرد هست مگر خانواده ای که مرد نداشته باشه

مرد تذکر بده بحمدلله دیدیم بعضی از مردها وقتی میبینن زنشون دخترشون حجابشون خوب نیست تذکر میدن بدخورد میکنند

برخوردم دو جور هست یکی برخورد نرم یکی برخورد سخته

برخورد سخت یعنی یه کتکی چیزی بزنه که خیلی اثر نداره

اما برخورد نرم اینکه با رفتار خودش با تذکرات با نصیحت ها با محبت با کتاب برایش بگیره مطالعه
کنه تشویقش کنه به حجاب

بعضی دخترا زیر بار حجاب نمیرن

یه روز یه اقایی اومد مسجد گفت فلانی خانمم چادری بود حالا میخواد چادرش رو کنار بگذاره
خانمشم بود دیگه باهاش صحبت کردم

گفتم خانم چرا میخوای چادر رو کنار بگذاری؟؟

این اومده خواستگاری تو چادری بودی حالا چرا میخوای چادر رو کنار بگذاری؟؟

یه چندتا بهونه آورد میخوام برم پیاده روی طاقستان چادر مزاحمه

مهمون میاد چادر مزاحمه

گفتم این حرفا چی؟ یعنی خانواده ما مهمون میاد توی خونه چادر سرشون نیست؟

بعد انواع چادر ها داریم چادر دانشجویی بگیر چادر عربی بگیر

چادر هایی هستن جمع و جور هیچ مزاحم کار نیست هیچ مزاحم پیاده روی نیست

حضرت زهراء تا آخرین لحظات عمرش چادری بوده

چون چادر که کنار گذاشتی اولش مانتو خوبی هست بعد یه چند وقت یه مانتو به قول معروف هی
سانت سانت اومد بالا هی کوتاه شد هی چسبان شد هی تحریک کننده شد هی رنگ هاش فلان شد

هیچ کدام از خانم های اهل بیت مانتویی نبودن همشون چادری بودن تازه صورتشونم نقاب میزدن
فقط چشاشون پیدا بود

حالا شما نقاب هم نمیخواه بزنی ولی چادر باید داشته باشی

پی زن چادری اگه چادر خواست بذاره کنار آقا زیر بار نره به هیچ عنوان اجازه نده من روز اول

اومدم خواستگاری چادری بودی باید تا اخرش چادری باشی

اگه گفت مانتو گوش ندین قبول نکنید چه دخترتون چه زنتون چون مانتو آغاز بی حجابی و بد

حجابی است یه نقطه شروع هست

میگن سیگار آغاز اعتیاد هست قلیون آغاز اعتیاد هست اینم همینجوری هست

.حضرت زهراء چادرش چند جاش وصله داشت ولی هیچ وقت دست از چادرش بر نداشت

امام علی(ع) همچنین فرموده است: هر که مطیع زنش باشد، خدا او را با صورت در آتش می اندازد،
سؤال شد: در چه چیزی اطاعت کند؟ فرمود: زن درخواست می کند که به حمام و عروسی و مجالس
.....»عزا برود و لباس نازک به تن نماید، شوهرش هم قبول می کند

عدم مهمانی های مختلط: اگر مهمان آمد باید زنها جدای از مردها بنشینند و مختلط نباشند

(جوانی که گفت سه روز است گریه می کنم)

روزی جوانی مسجد آمد و به من گفت سه روز است دارم گریه می کنم چون متوجه شدم همسرم با
رفیقم ارتباط نامشروع داشته است و.....

بعضی از این ارتباطات بخاطر اختلاط در مهمانی های بین رفقا رخ می دهد. وقتی همه باهم روبروی هم نشسته اند و نگاههای حرام به یکدیگر انداخته می شود از این نگاه ها گاه نطفه روابط نامشروع بسته می شود!

لذا باید در مهمانی ها اطاق زنهار از مردها جدا باشد حتی زن داداش یا خواهر زن یا دختر عمو و دختر دایی و دختر خاله و دختر عمه و..... که اینها فامیلند ولی نامحرمند.

اری یکی از راههای حفظ عفاف، دوری از مهمانی های مختلط است. باید در مهمانی ها، زنهار جدای از مردها باشند. نه اینکه همه در یکجا بنشینند که گاه چشم چرانی ها و میل به نامحرم پیدا میشود و این مهمانی نامبارک می گردد

زهرا مصطفوی دختر حضرت امام: امام در ارتباط با نامحرم خیلی سخت گیرند. الان پسرهای من و « حاج احمد آقا 15، 16 ساله اند و اگر یک روز ما برای ناهار به منزل آقا دعوت شویم، پسرهای حق آمدن ندارند و یا اگر هم بیایند، مثلاً ما خانه خانم می نشینیم و سفره می اندازیم و آنها منزل احمد آقا؛ آن هم برای اینکه پسرهای دخترهای اهل فامیل و خانه با هم غذا نخورند. نه فقط سر سفره، بلکه حتی به همدیگر سلام هم نکنند؛ چون واجب نیست، به هر حال آقا این نوع مهمانی رفتن خانمها و آقایان نامحرم و با هم دور سفره نشستن را حرام می دانند

امیرالمومنین علیه السلام در وصیت خود به امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: «با پوشش و حجابی که برای همسرانت قرار می دهی، چشم آنان را از هوس و حرام باز می داری، چرا که حجاب برای آنها ثبات بیشتری به ارمغان می آورد. از خروج بی حساب و بی رویه زنان جلوگیری کن، زیرا

مفاسدی دارد؛ و اگر می توانی، کاری کن که همسرانت غیر از تو را نشناسند و با مردان رفت و آمد نداشته باشند

امیرالمومنین علی (ع) می فرماید: « روزی با فاطمه (س) محضر پیامبر خدا (ص) رسیدیم ، دیدیم حضرت به شدت گریه می کند

گفتم: پدر و مادرم به فدایت یا رسول الله! چرا گریه می کنی؟

فرمود: یا علی! آن شب که مرا به معراج بردند ، گروهی از زنان امت خود را در عذاب سختی دیدم (. و از شدت عذابشان گریستم .) و اکنون گریه ام برای ایشان است

.زنی را دیدم که از موی سر آویزان است و مغز سرش از شدت حرارت می جوشد

.زنی را دیدم که از زبانش آویزان کرده اند و از آب سوزان جهنم به گلوی او می ریزند

.زنی را دیدم که از پستانش آویزان کرده اند

. زنی را دیدم که دست و پایش را بسته اند و مارها و عقربها بر او مسلط هستند

زنی را دیدم که کر و کور و لال بود و در تابوتی از آتش قرار داشت که مغز سرش از سوراخ های بینی اش بیرون می آمد و بدنش از شدت جدام و برص قطعه قطعه شده بود

.زنی را دیدم که ، که از پاهایش در تنور آتشین جهنم آویزان است

. زنی را دیدم که گوشت بدنش را با قیچی های آتشین ریز ریز می کنند

.زنی را دیدم که صورت و دستهایش در آتش می سوزد و امعا و احشای داخلی اش را می خورد

.زنی را دیدم که سرش سر خوک و بدنش بدن الاغ بود و به هزاران نوع عذاب گرفتار بود

و زنی را به صورت سگ دیدم و آتش از نشیمنگاه او داخل می شود و از دهانش بیرون می آید و
فرشتگان عذاب عمودهای آتشین بر سر و بدن او می کوبند

حضرت فاطمه (س) عرض کرد: پدر جان! این زنان در دنیا چه کرده بودند که خداوند آنان را چنین
عذاب می کند؟

: رسول خدا (ص) فرمود

دخترم! زنی که از موی سرش آویخته شده بود ، موی سر خود را از نامحرم نمی پوشاند

زنی که از پستانش آویزان بود ، زنی است که از حق شوهرش امتناع می ورزیده

... و زنی که از زبانش آویزان بود ، شوهرش را با زبان اذیت می کرد

و زنی که گوشت بدن خود را می خورد ، خود را برای دیگران زینت می کرد و از نامحرمان پرهیز
نداشت

و زنی که دست و پایش بسته بود و مارها و عقربها بر او مسلط شده بودند ، به وضو و طهارت لباس و
غسل جنابت و حیض اهمیت نمی داد و نظافت و پاکیزگی را مراعات نمی کرد ، و نماز را سبک می
شمرد و مورد اهانت قرار می داد

و زنی که کر و کور و لال بود ، زنی است که از راه زنا بچه به دنیا می آورد و به شوهرش می گوید
بچه تو است

و زنی که گوشت بدن او را با قیچی می بریدند ، خود را در اختیار مردان اجنبی می گذاشت

و زنی که صورت و دستانش می سوخت و او او امعا و احشای داخلی خودش را می خورد ، زنی
است که واسطه کارهای نامشروع و خلاف عفت و عصمت قرار می گرفت

و زنی که سرش مانند خوک و بدنش مانند الاغ بود ، او زنی سخن چین و دروغگو بود

و اما زنی که در قیافه سگ بود و آتش از نشیمنگاه او وارد و از دهانش خارج می شد ، زنی خواننده
و حسود بود

سپس فرمودند: وای بر زنی که همسرش از او راضی نباشد و خوشا به حال آن که همسرش از او
راضی باشد. « ۱

داستانهای بحارالانوار ، ج ۵ ، ص ۶۹ - زبده
القصص ، ص ۲۰۲

1)

نظارت بر لباس خانواده

امام صادق علیه السلام: خداوند به یکی از پیامبران وحی کرد که به مومنان بگو که در لباس ،
خوراک و آداب و رسوم ، دشمنان خدا را سرمشق قرار ندهید که اگر چنین کنید شما هم مثل آنان
دشمنان خدا محسوب می گردید. بهشت جوانان صفحه 477 ، وسائل الشیعه جلد 3 صفحه 279
نباید دختر و پسر لباسهای جلف و تحریک کننده بپوشند. نباید همسر انسان لباس نامناسب بپوشد.
لباس نامناسب باعث ایجاد گناه در افراد میشود.

چرایی وجوب حجاب

حقیقت امر این است که ایجاد محدودیت در ارتباط، نگاه، صحبت کردن، تماس بدنی و نوع پوشش و بین زن و مرد نامحرم همگی برای جلوگیری از ایجاد مفاسد مختلف فردی و اجتماعی است که دامن گیر فرد و اجتماع می گردد. خلقت زن به گونه ای است که تمام شئون و رفتارها و اعضا بدن او برای مرد جذاب است. روایت معروف «النساء عورات» به این معنی است که همه شئون زن نیازمند پوشش و حفظ است. زن مظهر زیبایی و جمال الهی است. تمام اعضا و جوارح زن، سخن گفتن زن، راه رفتن زن، زینت زن و.... اگر چه مظهری از خلقت باشکوه الهی است لکن در صورتی که در غیر از روابط نظام مند و قانونمند خانواده ظهور و بروز پیدا کند شکل روابط را از روابط عقلایی و تعالی بخش فردی و اجتماعی به انحرافات جنسی و شهوت آلود تغییر می دهد. این تاثیر پذیری در مرحله اول از طرف مردان بسیار شدیدتر است

از نظر علم و تجربه ثابت است که نگاه و لمس از عوامل اصلی و ناخودآگاه تحریک و ترشح غدد و هورمونهای جنسی است. نگاه و یا لمس نامحرم هرچند اگر بدون قصد تلمذ باشد عمل طبیعی و غریزی خود را انجام می دهد و زمینه تحریک شهوت انسان را در همان زمان یا بعد از آن ایجاد می کند. تحریک غریزه جنسی به گونه نامشروع نیز آثار شوم و نکبت بار فراوانی بر ابعاد مختلف انسان و جامعه بشری ایجاد می نماید. اسراف، انحراف و هدر رفتن نیروهای فکری، اجتماعی و معنوی انسان، زمینه سازی سردی روابط خانوادگی، حالت حسرت و ناکامی، از دست دادن آرامش روانی، میل به گناه (لواط، زنا، استمناء و....) و بالاخره گرایش به گناهان مختلف از جمله آثار سوء نگاه و لمس حرام است که در عرصه زندگی فردی، خانوادگی و اجتماع ظاهر می گردد

در ادامه به برخی از این حکمت ها در آموزه های قرآن و اهل بیت علیهم السلام اشاره می نمایم. برخی از این روایات اگر چه در مورد نگاه است لکن به طریق اولی شامل لمس نامحرم نیز می گردد

قرآن کریم در آیه 30 و 31 سوره نور بعد از اینکه به مسلمانان امر می کند که از نگاه به نامحرم 1. پرهیزند مسئله پاکدامنی را مطرح می نماید. این نشان دهنده آن است که پاکدامنی انسان ارتباط مستقیم با حفظ نگاه حرام دارد

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ؛ به مؤمنان بگو چشمهای خود را (از نگاه به «نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ؛ و به آنان با ایمان بگو چشمهای خود را «(از نگاه هوس آلود) فروگیرند، و دامن خویش را حفظ کنند

امام علی علیه السلام می فرماید: چشم پیش قراول دل، جلودار فتنه، دام شیطان و نگاه حرام سبب 2. کاشتن بذر شهوت و نهال گناه (زنا و لواط و استمناء و...) است. نگاه به نامحرم باعث سختی زندگی و زیادی حسرت و افسوس است

کنترل نگاه سبب باز شدن چشم بر شگفتی های خلقت، زیادی حکمت و علم، آسایش روان، امان از هلاکت و گناه و بازدارنده خواهش های نفس است. و هر که نگاهش پاک شود صفاتش نیکو می گردد.

3. امام رضا علیه السلام در پاسخ یکی از یارانشان در این موضوع فرمودند نگاه کردن به نامحرم به این علت حرام شده است که باعث تحریک به فساد و ارتکاب اعمال حرام و ناشایست می شود

بی شک این مفسده در لمس نامحرم به صورت مضاعف پدیدار می گردد

4. حکمت های معنوی

پیامبر مکرم اسلام صلوات الله علیه: هر که چشم خود را از حرام پر کند خداوند در روز قیامت چشم او را از آتش پرگرداند

پیامبر مکرم اسلام از قول پروردگار خود؛ نگاه به نامحرم از تیرهای زهر آلود ابلیس است. هر که از

ترس من آن را ترک کند در عوضش ایمانی به او دهم که حلاوت آن را در دل خویش بیابد.

پیامبر مکرم اسلام صلوات الله علیه: هیچ مسلمانی نیست که نگاهی به زنی بیفتد و چشم خود را پایین [اندازد مگر اینکه خدای متعال به او توفیق عبادتی دهد که شیرینی آن را در دل خویش بیابد].¹

جمع بندی: رفتار هایی مانند نگاه به نامحرم، لمس نامحرم و... در جهت ایجاد انحراف تدریجی در روابط و جهت دهی شهوت آلود به رفتار ها آنقدر خطرناک است که در روایات از نگاه به نامحرم به زنا، چشم و از لمس نامحرم به زنا، دستان تعبیر شده است.

در پایان گفتاری از شهید مطهری که در کتاب مساله حجاب آمده است را نقل می نمایم. در این گفتار به طور شایسته ای حکمت محدودیت ها در ارتباط و لمس و نگاه و ایجاد حائل بین زن و مرد در ارتباطات اجتماعی را توضیح می دهد.

به عقیده ما ریشه اجتماعی پدید آمدن حریم و حائل میان زن و مرد را در میل به ریاضت، یا میل مرد « به استثمار زن، یا حسادت مرد، یا عدم امنیت اجتماعی، یا عادت زنانگی نباید جستجو کرد و لااقل باید کمتر در اینها جستجو کرد. ریشه این پدیده را در یک تدبیر ماهرانه غریزی خود زن باید جستجو کرد.

به طور کلی بحثی است درباره ریشه اخلاق جنسی زن از قبیل حیا و عفاف، و از آن جمله است تمایل به ستر و پوشش خود از مرد. در اینجا نظریاتی ابراز شده است.

دقیق ترین آنها اینست که حیا و عفاف و ستر و پوشش تدبیری است که خود زن با یک نوع الهام برای گرانها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار برده است. زن با هوش فطری و با یک حس مخصوص به خود دریافته است که از لحاظ جسمی نمی تواند با مرد برابری کند و اگر بخواهد در میدان زندگی با مرد پنجه نرم کند از عهده زور با زوی مرد بر نمی آید، و از طرف دیگر نقطه ضعف مرد را در همان نیازی یافته است که خلقت در وجود مرد نهاده است که او را مظهر عشق و طلب، و زن را مظهر معشوقیت و مظلومیت قرار داده است. در طبیعت، جنس نر گیرنده و دنبال

کننده آفریده شده است. به قول ویل دورانت: «آداب جفتجوئی عبارت است از حمله برای تصرف در مردان، و عقب نشینی برای دلیری و فریبندگی در زنان ... مرد طبعا جنگی و حیوان شکاری است، عملش مثبت و تهاجمی است. زن برای مرد همچون جائزه ای است که باید آنرا بر باید».

وقتی که زن مقام و موقع خود را در برابر مرد یافت و نقطه ضعف مرد را در برابر خود دانست همانطور که متوسل به زیور و خودآرائی و تجمل شد که از آن راه مرد تصاحب کند، متوسل به دور نگهداشتن خود از دسترس مرد نیز شد. دانست که نباید خود را رایگان کند بلکه بایست آتش عشق و طلب او را تیزتر کند و در نتیجه مقام و موقع خود را بالا برد.

ویل دورانت می گوید: «حیا امر غریزی نیست بلکه اکتسابی است. زنان دریافتند که دست و دل بازی».

ویل دورانت می گوید: «خودداری از انبساط، و امساک در بذل و بخشش بهترین سلاح برای شکار مردان است. اگر اعضای نهانی انسان را در معرض عام تشریح می کردند توجه ما به آن جلب می شد ولی رغبت و قصد به ندرت تحریک می گردید. مرد جوان به دنبال چشمان پر از حیا است و بی».

مولوی راجع به تأثیر حریم و حائل میان زن و مرد در افزایش قدرت و محبوبیت زن و در بالا بردن مقام او و در گداختن مرد در آتش عشق و سوز، مثلی لطیف می آورد: آنها را به آب و آتش تشبیه می کند، می گوید مثل مرد مثل آب است و مثل زن مثل آتش، اگر حائل از میان آب و آتش برداشته شود آب بر آتش غلبه می کند و آنرا خاموش می سازد، اما اگر حائل و حاجبی میان آن دو برقرار گردد مثل اینکه آب را در دیگی قرار دهند و آتش در زیر آن دیگ روشن کنند، آنوقت است که آتش آب را تحت تأثیر خود قرار می دهد، اندک اندک او را گرم می کند و احیانا جوشش و غلیان در او به وجود می آورد، تا آنجا که سراسر وجود او را تبدیل به بخار می سازد.

مرد برخلاف آنچه ابتدا تصور می رود، در عمق روح خویش از ابتذال زن و از تسلیم و رایگانی او

متنفر است. مرد همیشه عزت و استغناء و بی اعتنائی زن را نسبت به خود ستوده است

به طور کلی رابطه ای است میان دست ناری و فراق از یک طرف و عشق و سوز و گرانبھائی از طرف دیگر، همچنانکه رابطه ای است میان عشق و سوز از یک طرف و میان هنر و زیبائی از طرف دیگر، یعنی عشق در زمینه فراق ها و دست ناری ها می شکفتد و هنر و زیبائی در زمینه عشق رشد و نمو می یابد

برتراند راسل می گوید: « از لحاظ هنر مایه تأسف است که به آسانی به زنان بتوان دست یافت و خیلی بهتر است که وصال زنان دشوار باشد بدون آنکه غیر ممکن گردد

هم او می گوید: «در جائی که اخلاقیات کاملاً آزاد باشد، انسانی که بالقوه ممکن است عشق شاعرانه ای داشته باشد عملاً بر اثر موفقیت های متوالی به واسطه جاذبه شخصی خود، ندرتاً نیازی به توسل به «عالتیرین تخیلات خود خواهد داشت

ویل دورانت در لذات فلسفه می گوید: « آنچه بجوئیم و نیابیم عزیز و گران بها می گردد. زیبائی به «قدرت میل بستگی دارد و میل با اقناع و ارضاء، ضعیف و با منع و جلوگیری، قوی می گردد

از همه عجیب تر سخنی است که یکی از مجلات زنانه از آلفرد هیچکاک - که به قول آن مجله به :حسب فن و شغل فیلم سازی خود درباره زنان تجارب فراوان دارد - نقل می کند. او می گوید

من معتقدم که زن هم باید مثل فیلمی پرهیجان و پراآنتریک باشد، بدین معنی که ماهیت خود را « کمتر نشان دهد و برای کشف خود مرد را به نیروی تخیل و تصور زیادتیری وادارد. باید زنان پیوسته بر همین شیوه رفتار کنند یعنی کمتر ماهیت خود را نشان دهند و بگذارند مرد برای کشف آنها بیشتر «به خود زحمت دهد

ایضا همان مجله در شماره دیگری از همین شخص چنین نقل می کند: «زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب و نقاب و روپندی که به کار می بردند خود بخود جذاب می نمودند و همین مسأله جاذبه نیرومندی بدانها می داد ، اما به تدریج با تلاشی که زنان این کشورها برای برابری با زنان غربی

از خود نشان می دهند حجاب و پوششی که دیروز بر زن شرقی کشیده شده بود از میان می رود و
«همراه آن از جاذبه جنسی او هم کاسته می شود

می گویند: «مشتاقی است مایه مهجوری». این صحیح است اما عکس آن هم صحیح است که:
«مهجوری است مایه مشتاقی

امروز یکی از خلأهایی که در دنیای اروپا و امریکا وجود دارد خلأ عشق است. در کلمات دانشمندان
اروپائی زیاد این نکته به چشم می خورد که اولین قربانی آزادی و بی بند و باری امروز زنان و مردان
عشق و شور و احساسات بسیار شدید و عالی است. در جهان امروز هرگز عشق هائی از نوع عشقهای
شرقی از قبیل عشق های مجنون و لیلی، و خسرو و شیرین رشد و نمو نمی کند

نمی خواهم به جنبه تاریخی قصه مجنون و لیلی، و خسرو و شیرین تکیه کرده باشم، ولی این قصه
های بیان کننده واقعیاتی است که در اجتماعات شرقی وجود داشته است

از این داستانها می توان فهمید که زن بر اثر دور نگهداشتن خود از دسترسی مرد تا کجا پایه خود را
بالا برده است و تا چه حد سر نیاز مرد را به آستان خود فرود آورده است؟ قطعاً درک زن این حقیقت
را در تمایل او به پوشش بدن خود و مخفی کردن خود به صورت یک راز تأثیر فراوان داشته است
ما برای پوشش زن و احکام مربوط به تعامل بین زن و مرد در اجتماع از نظر اسلام فلسفه خاصی قائل
هستیم که نظر عقلی آن را موجه می سازد و از نظر تحلیل می توان آنرا مبنای حجاب در اسلام
دانست.

سیمای حقیقی مسأله حجاب

حقیقت امر اینست که در مسأله پوشش - و به اصطلاح عصر اخیر حجاب - سخن در این نیست که
آیا زن خوب است پوشیده در اجتماع ظاهر شود یا عریان؟ روح سخن اینست که آیا زن و تمتعات
مرد از زن باید رایگان باشد؟ آیا مرد باید حق داشته باشد که از هر زنی در هر محفلی حداکثر
تمتعات را به استثناء زنا ببرد یا نه؟

اسلام که به روح مسائل می نگرد جواب می دهد: خیر، مردان فقط در محیط خانوادگی و در کادر قانون ازدواج و همراه با یک سلسله تعهدات سنگین می توانند از زنان به عنوان همسران قانونی کامجویی کنند، اما در محیط اجتماع استفاده از زنان نامحرم ممنوع است. و زنان نیز از اینکه مردان را در خارج از کانون خانوادگی کامیاب سازند به هر صورت و به هر شکل ممنوع می باشند.

درست است که صورت ظاهر مسأله اینست که زن چه بکند؟ پوشیده بیرون بیاید یا عریان؟ یعنی آنکس که مسأله به نام او عنوان می شود زن است، و احیانا مسأله با لحن دلسوزانه ای طرح می شود که آیا بهتر است زن آزاد باشد یا محکوم و اسیر و در حجاب؟ اما روح مسأله و باطن مطلب چیز دیگر است و آن اینکه آیا مرد باید در بهره کشی جنسی از زن، جز از جهت زنا، آزادی مطلق داشته باشد یا نه؟ یعنی آنکه در این مسأله ذی نفع است مرد است نه زن، و لااقل مرد از زن در این مسأله ذی نفع تر است. به قول ویل دورانت: «دامنهای کوتاه برای همه جهانیان بجز خیاطان نعمتی است». پس روح مسأله، محدودیت کامیابی ها به محیط خانوادگی و همسران مشروع، یا آزاد بودن کامیابی ها و کشیده شدن آنها به محیط اجتماع است. اسلام طرفدار فرضیه اول است.

از نظر اسلام محدودیت کامیابیهای جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع، از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می کند، و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می گردد، و از جنبه اجتماعی موجب حفظ و استیفاء نیروی کار و فعالیت اجتماع می گردد، و از نظر وضع زن در برابر مرد، سبب می گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود.

فلسفه احکام مربوط به محدودیت ارتباط و پوشش اسلامی به نظر ما چند چیز است. بعضی از آنها جنبه روانی دارد و بعضی جنبه خانه و خانوادگی، و بعضی دیگر جنبه اجتماعی، و بعضی مربوط است به بالا بردن احترام زن و جلوگیری از ابتذال او.

احکام مربوط به ارتباط و حجاب در اسلام از یک مسأله کلی تر و اساسی تری ریشه می گیرد و آن

اینست که اسلام می خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد، اجتماع منحصر برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذتجویی های جنسی به هم می آمیزد، اسلام می خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.

:اکنون به شرح چهار قسمت فوق می پردازیم

آرامش روانی

نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت و ارتباطات کلامی و جسمانی و... هیجانها و التهاب های جنسی را فزون می بخشد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در می آورد. غریزه جنسی، غریزه ای نیرومند، عمیق و «دریا صفت» است، هر چه بیشتر اطاعت شود سرکش تر می گردد، همچون آتش که هر چه به آن بیشتر خوراک بدهند، شعله ورت می شود. برای درک این مطلب به دو چیز باید توجه داشت

تاریخ همانطوری که از آزمندان ثروت یاد می کند که با حرص و آزی حیرت آور در پی گرد - 1 آوردن پول و ثروت بوده اند و هرچه بیشتر جمع می کرده اند حریصتر می شده اند، همچنین از آزمندانی در زمینه مسائل جنسی یاد می کند. اینها نیز به هیچ وجه از نظر حس تصرف تملک زیبا رویان در یک حدی متوقف نشده اند. صاحبان حرمسراها و در واقع همه کسانی که قدرت استفاده داشته اند چنین بوده اند.

:کریستن سن نویسنده کتاب «ایران در زمان ساسانیان» در فصل نهم کتاب خویش می نویسد در نقش شکار طاق بستان فقط چند تن از سه هزار زنی که خسرو (پرویز) در حرم داشت می بینیم. «این شهریار هیچگاه از این میل سیر نمی شد. دوشیزگان و بیوگان و زنان صاحب اولاد را در هر جا نشان می دادند، به حرم خود می آورد. هر زمان که میل تجدید حرم می کرد، نامه ای چند به فرمانروایان اطراف می فرستاد و در آن وصف زن کامل عیار را درج می کرد. پس عمال او هر جا زنی

«را با وصف نامه مناسب می دیدند، به خدمت می بردند

از اینگونه جریانها در تاریخ قدیم بسیار می توان یافت. در عصر جدید این جریانها به شکل حرمسرا نیست، به شکل دیگر است، با این تفاوت که در عصر جدید لزومی ندارد کسی به اندازه خسرو پرویز و هارون الرشید امکانات داشته باشد. در عصر جدید به برکت تجدد فرهنگی، برای مردی که یک صد هزارم پرویز و هارون امکانات داشته باشد میسر است که به اندازه آنها از جنس زن بهره کشی کند هیچ فکر کرده اید که حس «تغزل» در بشر چه حسی است؟ قسمتی از ادبیات جهان عشق و غزل است. در این بخش از ادبیات، مرد، محبوب و معشوق خود را ستایش می کند، به پیشگاه او نیاز می برد، او را بزرگ و خود را کوچک جلوه می دهد، خود را نیاز می برد، او را بزرگ و خود را کوچک جلوه می دهد، خود را نیازمند کوچکترین عنایت او می داند، مدعی می شود که محبوب و معشوق «صد ملک جان به نیم نظر می تواند بخرد، پس چرا در این معامله تقصیر می کند» از فراق او دردمندانه می نالد.

این چیست؟ چرا بشر در مورد سایر نیازهای خود چنین نمی کند؟ آیا تاکنون دیده اید که یک آدم پول پرست برای پول، و یک آدم جاه پرست برای جاه و مقام غزلسرائی کرده است؟! آیا تاکنون کسی برای نان غزلسرائی کرده است؟ چرا هر کسی از شعر و غزل دیگری خوشش می آید؟ چرا همه از دیوان حافظ اینقدر لذت می برند؟ آیا جز این است که همه کس آنها را با زبان یک غریزه عمیق که سراپای وجودش را گرفته است منطبق می بیند؟ چه قدر اشتباه می کنند کسانی که می گویند یگانه عامل اساسی فعالیتهای بشر عامل اقتصاد است!

بشر برای عشقهای جنسی خود موسیقی خاصی دارد، همچنانکه برای معنویات نیز موسیقی خاص دارد، در صورتی که برای حاجت های صرفا مادی از قبیل آب و نان و موسیقی ندارد. من نمی خواهم ادعا کنم که تمام عشقها جنسی است و هم هرگز نمی گویم که حافظ و سعدی و سایر غزل سرایان صرفا از زبان غریزه جنسی سخن گفته اند. این مبحث، مبحث دیگری است که

جداگانه باید بحث شود. ولی قدر مسلم اینست که بسیاری از عشقها و غزلها عشق و غزل هائی است که مرد برای زن داشته است. همین قدر کافی است که بدانیم توجه مرد به زن از نوع توجه به نان و آب نیست که با سیر شدن شکم اقناع شود، بلکه یا به صورت حرص و آز و تنوع پرستی در می آید و یا به صورت عشق و غزل. ما بعدا در این باره بحث خواهیم کرد که در چه شرائطی حالت حرص و آز جنسی تقویت می شود و در چه شرائطی شکل عشق و غزل پیدا می کند و رنگ معنوی به خود می گیرد.

به هر حال اسلام به قدرت شگرف این غریزه آتشین توجه کامل کرده است. روایات زیادی درباره خطرناک بودن غریزه ای که مرد و زن را به یکدیگر پیوند می دهد وارد شده است. اسلام تدابیری برای تعدیل و رام کردن این غریزه اندیشیده است و در این زمینه هم برای زنان و هم برای مردان، تکلیف معین کرده است. محدودیت در ارتباطات کلامی، لمسی، رفتاری، و حفظ پوشش از جمله این تکالیف است. یک وظیفه مشترک که برای زن و مرد، هر دو، مقرر فرموده مربوط به نگاه کردن است.

قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ... قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهن و یحفظن فروجهن

خلاصه این دستور اینست که زن و مرد نباید به یکدیگر خیره شوند، نباید چشم چرانی کنند، نباید نگاههای مملو از شهوت به یکدیگر بدوزند، نباید به قصد لذت بردن به یکدیگر نگاه کنند. یک وظیفه هم خاص زنان مقرر فرموده است و آن اینست که بدن خود را از مردان بیگانه پوشیده دارند و در اجتماع به جلوه گری و دلربائی نپردازند. به هیچ وجه و هیچ صورت و با هیچ شکل و رنگ و بهانه ای کاری نکنند که موجبات تحریک مردان بیگانه را فراهم کنند. روح بشر فوق العاده تحریک پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن پس آرام می گیرد.

همانطور که بشر - اعم از مرد و زن - در ناحیه ثروت و مقام از تصاحب ثروت و از تملک جاه و مقام سیر نمی شود و اشباع نمی گردد، در ناحیه جنسی نیز چنین است. هیچ مردی از تصاحب زیبا رویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالأخره هیچ دلی از هوس سیر نمی شود و از طرفی تقاضای نامحدود خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه مقرون است به نوعی احساس محرومیت. دست نیافتن به آرزوها به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و بیماریهای روانی می گردد.

چرا در دنیای غرب این همه بیماری روانی زیاد شده است ؟ علتش آزادی اخلاقی و ارتباطی و جنسی و تحرکات فراوان است که به وسیله جرائد و مجلات و سینماها و تئاترها و محافل و مجالس رسمی و غیر رسمی و حتی خیابانها و کوچه ها انجام می شود.

استحکام پیوند خانوادگی

شک نیست که هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود. و بالعکس هر چیزی که باعث سستی روابط زوجین و دلسردی آنان گردد به حال زندگی خانوادگی زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد.

اختصاص یافتن استمتاع و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می شود. فلسفه پوشش و ایجاد محدودیت های کلامی و لمسی و ارتباطی و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی اینست که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود، در حالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می رود و در نتیجه کانون خانوادگی براساس دشمنی و نفرت پایه گذاری می شود.

علت اینکه جوانان امروز از ازدواج گریزانند و هر وقت به آنان پیشنهاد می شود، جواب می دهند که حالا زود است، ما هنوز بچه ایم، و یا به عناوین دیگر از زیر بار آن شانه خالی می کنند همین است. و حال آنکه در قدیم یکی از شیرین ترین آرزوهای جوانان ازدواج بود. جوانان پیش از آنکه به برکت دنیای اروپا کالای زن این همه ارزان و فراوان گردد، «شب زفاف را کم از تخت پادشاهی» نمی دانستند.

ازدواج در قدیم پس از یک دوران انتظار و آرزومندی انجام می گرفت و به همین دلیل زوجین یکدیگر را عامل نیکبختی و سعادت خود می دانستند، ولی امروز کامجوییهای جنسی در غیر کادر ازدواج به حد اعلی فراهم است و دلیلی برای آن اشتیاقها وجود ندارد. معاشرتهای آزاد و بی بند و بار پسران و دختران، ازدواج را به صورت یک وظیفه و تکلیف و محدودیت در آورده است که باید آن را با توصیه های اخلاقی و یا احیانا - چنانکه برخی از جرائد پیشنهاد می کنند - با اعمال زور بر جوانان تحمیل کرد.

تفاوت آن جامعه که روابط جنسی را محدود می کند به محیط خانوادگی و کادر ازدواج قانونی، با اجتماعی که روابط آزاد در آن اجازه داده می شود اینست که ازدواج در اجتماع اول پایان انتظار و محرومیت، و در اجتماع دوم آغاز محرومیت و محدودیت است. در سیستم روابط آزاد جنسی، پیمان ازدواج به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می دهد و آنها را ملزم می سازد که به یکدیگر وفادار باشند و در سیستم اسلامی به محرومیت و انتظار آنان پایان می بخشد.

سیستم روابط آزاد اولاً موجب می شود که پسران تا جایی که ممکن است از ازدواج و تشکیل خانواده سر باززنند و فقط هنگامی که نیروهای جوانی و شور و نشاط آنها رو به ضعف و سستی می نهد، اقدام به ازدواج کنند و در این موقع زن را فقط برای فرزند زادن و احیانا برای خدمتکاری و کلفتی بخواهند، و ثانیاً پیوند ازدواجهای موجود را سست می کند و سبب می گردد به جای اینکه خانواده بر پایه یک عشق خالص و محبت عمیق استوار باشد و هر یک از زن و شوهر همسر خود را

عامل سعادت خود بداند بر عکس به چشم رقیب و عامل سلب آزادی و محدودیت ببیند و چنانکه اصطلاح شده است یکدیگر را زندانبان بنامند

وقتی پسر یا دختری می خواهد بگوید ازدواج کرده ام، می گوید برای خودم زندانبان گرفته ام. این تعبیر برای چیست؟ برای اینکه قبل از ازدواج آزاد بود هر کجا بخواهد برود، با هر کس بخواهد برقصد، بلاسد، هیچکس نبود که بگوید بالای چشمت ابرو است. ولی پس از ازدواج این آزادی ها محدود شده است، اگر یک شب دیر به خانه بیاید مورد مؤاخذه همسرش قرار می گیرد که کجا بودی؟ و اگر در محفلی با التهاب با دختری برقصد، همسرش به او اعتراض می کند. واضح است که روابط خانواده در چنین سیستمی تا چه اندازه سرد و سست و غیر قابل اطمینان است

بعضی ها مانند برتراند راسل پنداشته اند که جلوگیری از معاشرتهای آزاد صرفا به خاطر اطمینان مرد نسبت به نسل است، برای حل اشکال، استفاده از وسائل ضد آبستنی را پیشنهاد کرده اند، در صورتی که مسأله، تنها پاکی نسل نیست. مسأله مهم دیگر ایجاد پاکترین و صمیمی ترین عواطف بین زوجین و برقرار ساختن یگانگی و اتحاد کامل در کانون خانواده است. تأمین این هدف وقتی ممکن است که زوجین از هرگونه استمتاع از غیر همسر یا همسران قانونی چشم پبوشند، مرد چشم به زن دیگر نداشته باشد و زن نیز در صدد تحریک و جلب توجه کسی جز شوهر خود نباشد، و اصل ممنوعیت هر نوع کامیابی جنسی در غیر کادر خانواده حتی قبل از ازدواج هم رعایت گردد به علاوه، زنی که تا اینجا پیش رفته است که به پیروی از امثال راسل و تقلید از صاحبان مکتب «اخلاق نوین جنسی» با داشتن همسر قانونی، عشق خود را در جای دیگر جستجو می کند و با مرد مورد عشق و علاقه خود همبستر می شود، چه اطمینانی هست که به خاطر همسر قانونی که چندان مورد علاقه اش نیست وسائل ضد آبستنی به کار برد و از مرد مورد عشق و علاقه خود آبستن نشود و فرزند را به ریش همسر قانونی نبندد. قطعا چنین زنی مایل است که فرزندی که به دنیا می آورد از مرد مورد علاقه اش باشد نه از مردی که فقط به حکم قانون همسر او است و الزاما به حکم قانون نباید از

غیر او آبستن بشود. همچنان مرد نیز طبعاً علاقه مند است که از زن مورد عشق و علاقه اش فرزند داشته باشد نه از زنی که با زور قانون به او پیوند کرده اند. دنیای اروپا عملاً نشان داده است که با وجود وسائل ضد آبستنی، آمار فرزندان غیر مشروع وحشت آور است

استواری اجتماع

کشانیدن تمتعات جنسی از محیط خانه به اجتماع، نیروی کار و فعالیت اجتماع را ضعیف می کند. برعکس آنچه که مخالفین حجاب خرده گیری کرده اند و گفته اند: «حجاب موجب فلج کردن نیروی نیمی از افراد اجتماع است» بی حجابی و ترویج روابط آزاد جنسی موجب فلج کردن نیروی اجتماع است.

آنچه موجب فلج کردن نیروی زن و حبس استعدادهای او است حجاب به صورت زندانی کردن زن و محروم ساختن او از فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی است و در اسلام چنین چیزی وجود ندارد. اسلام نه می گوید که زن از خانه بیرون نرود و نه می گوید حق تحصیل علم و دانش ندارد - بلکه علم و دانش را فریضه مشترک زن و مرد دانسته است - و نه فعالیت اقتصادی خاصی را برای زن تحریم می کند. اسلام هرگز نمی خواهد زن بیکار و بیعار بنشیند و وجودی عاطل و باطل بار آید. پوشانیدن بدن به استثناء وجه و کفین مانع هیچگونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع است آلوده کردن محیط کار به لذتجویی های شهوانی است. آیا اگر پسر و دختری در محیط جداگانه ای تحصیل کنند و فرضاً در یک محیط درس می خوانند دختران بدن خود را بپوشانند و هیچگونه آرایشی نداشته باشند بهتر درس می خوانند و فکر می کنند و به سخن استاد گوش می کنند یا وقتی که کنار هر پسری یک دختر آرایش کرده نشسته باشد؟ آیا اگر مردی در خیابان و بازار و اداره و کارخانه و غیره با قیافه های محرک و مهیج زنان آرایش کرده دائماً مواجه باشد بهتر سرگرم کار و فعالیت می شود یا در محیطی که با چنین مناظری روبرو نشود؟ اگر باور ندارید از کسانی که در این محیط کار می کنند پرسید. هر مؤسسه یا شرکت یا اداره ای که

سخت مایل است کارها به خوبی جریان یابد و از این نوع آمیزشها جلوگیری می کند. اگر باور ندارید تحقیق کنید.

حقیقت اینست که این وضع بی حجابی رسوا که در میان ما است و از اروپا و آمریکا هم داریم جلو می افیم از مختصات جامعه های پلید سرمایه داری غربی است و یکی از نتایج سوء پول پرستی ها و شهوترانیهای سرمایه داران غرب است، بلکه یکی از طرق و وسائلی است که آنها برای تخدیر و بی حس کردن اجتماعات انسانی و در آوردن آنها به صورت مصرف کننده اجباری کالاهای خودشان به کار می برند.

ارزش و احترام زن

قبلا گفتیم که مرد به طور قطع از نظر جسمانی بر زن تفوق دارد و ولی زن از طریق عاطفی و قلبی همیشه تفوق خود را بر مرد ثابت کرده است. حریم نگه داشتن زن میان خود و مرد یکی از وسائل مرموزی بوده است که زن برای حفظ مقام و موقع خود در برابر مرد از آن استفاده کرده است. اسلام زن را تشویق کرده است که از این وسیله استفاده کند. اسلام مخصوصا تأکید کرده است که زن هر اندازه متین تر و با وقارتر و عفیفتر حرکت کند و خود را در معرض نمایش یا ارتباط برای مرد نگذارد بر احترامش افزوده می شود.

بعدا در تفسیر آیات سوره احزاب خواهیم دید که قرآن کریم پس از آنکه توصیه می کند زنان خود را بپوشانند می فرماید: «ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین». یعنی این کار برای اینکه به عفاف شناخته شوند و معلوم شود خود را در اختیار مردان قرار نمی دهند بهتر است، و در نتیجه دور باش و حشمت [آنها مانع مزاحمت افراد سبکسر می گردد. این حکمت در مورد لمس و ارتباط کلامی نیز هست.]²

پی نوشت ها

همه روایات از میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری. ماده النظر؛ [1]

مراجعه کنید به کتاب: مسئله حجاب ص 260. [2]

داشتن غیرت نسبت به خانواده

مرد توخونه است زنش رو می فرسته برای خرید! (مرد ماشین داره زنش رو با اژانس می فرسته) (مرد)
مغازه داره زنش رو در مغازه میذاره تا مشتری زیاد بشه) (مرد تو خونه است در میزنند زنش بره درو باز
(کنه) (مردانی که زن را به ادارات برای پول می فرستند

فروغ السادات پسندیده (دختر آیت الله پسندیده) نقل می کند: «یک دفعه من و همسرم و آخرین
دخترم که فکر می کنم پنج سالش بود به قم خدمت امام رفتیم. آقا همیشه خیلی با محبت و علاقه
برخورد می کردند. وقتی خدمتشان رسیدیم، گفتند: اسم این دختر شما چیه؟ گفتم: فریبا. گفتند: چرا
چیزی سرش نکردید؟ گفتم: آقا این پنج-شش سالش است. گفتند: باشد، پنج-شش سالش باشد،
سرش کن، عادت می کند. گفتم: باشد، حتماً

(حضرت امام در مورد حجاب و رو گرفتن خیلی تأکید می کردند). (میریان، پدر مهربان، ص 75
عاطفه اشراقی (نوه امام خمینی)، نقل می کند: «ده سال بیشتر نداشتم که با برادرهایم و پسرخاله ام قایم
موشک بازی می کردیم، حجاب هم داشتم اما امام یک روز مرا صدا کردند و گفتند: شما هیچ
تفاوتی [از لحاظ تکلیف شرعی] با خواهرتان ندارید. مگر او با پسرها بازی می کند که شما با پسرها
(بازی می کنید؟ از آن روز به بعد با پسرها بازی نکردم). (مجله زن روز، شماره 1267، ص 47

مرد مسول تهیه مخارج خانواده

یکی از آسیب های مربوط به خانواده که به ما خانم ها پیام میدن ، صحبت میکنن ، مراجعه میکنن اینکـه مردهایی هستن زن میگیرند بعد خرج زن و بچشون رو نمیدن

مثلا موردی هست کمک گوشت نذری بردیم آقا مادرش ۷۰ سالشه زیر نظر کمیته امداده توی یه خانه درب و داغون زندگی میکنن آقا با زنش و بچه هاش نمیره کار کنه

مادره میره نزول میکنه از همسایه ها قرض میکنه غذای پسرش و با عرووش رو میاره همیشه غذا درست میکنه برای ۵ نفر درست میکنه

حالا این پسر چجور به خودش اجازه میده که این مادر ۷۰ ساله مریضش بره از همسایه ها پول قرض بکنه ، نزول بکنه بیاد

و این قشنگ البته گفت هر روزم بین این و خانمش دعواست

خانمش میگه من طلاق میخوام چجور تو اجازه میدی مادرت خرج ما رو بده پس تو مردی؟

این مشکله بنده در نور آباد که بودم صبح پیامک اومد

خانمی گفته بود آقا من جز شما کسی رو ندارم شوهرم منم رها کرده توی سرمای زمستان اداره برق و گاز اومدن برق و گاز رو قطع کردن من دارم از سرما میلرزم چیکار کنم؟

زنگ زدیم به کمیته آقای نعمتی برق تا زانو تقریبا بود برق

دیدیم راست میگه این خانم تنها توی ساختمان دیگه اونا اومدن برق و گاز رو وصل کردن کمیته
امداد یه مقدار کمک کردن ولی اینا مسکنه

خب آقا شما اگه زنت رو نمیخواهی طلاق بده

پس چرا رهانش کردی رفتی فرار کردی خودت رو گم و گور کردی

پیامبر لعنت کرده ها لعنت کرده اون مرد هایی که اینجوری بکنن

زن و بچشون رو معطل بکنن و خرجی ندن

یکی بود در زمان پیامبر اینجوری بود نمیرفت کار کنه

آخرش خانمش گفت آقا این پیامبر میگن خیلی بخشنده هست لاقول تو که کار نمیکنی برو از پیامبر
(.) چندتا سکه بگیر

اینم آمد محضر پیامبر همین که اومد بشینه پیامبر فرمود هر کس از ما کمم بخواد کمکش میکنیم اما
هر کسی که از خدا کمک خواد خدا بی نیازش میکنه فهمید که پیامبر منظورش ایشونه خجالت کشید
بگه

رفت خونه خانمش گفت پولی گرفتی؟ گفت پیامبر این حرف رو زد دیگه خجالت کشیدم
درخواست کمک کنم گفت پیامبر حرف های خوب خوب زیاد میزنه فردا حتما برو پول بگیر و بیا

فردا آمد دوباره همین ماجرا اتفاق افتاد تا ۳ روز

آخرش رفت پیش همسایه گفت آقا تبر داری قرض بدی؟؟ گفت بفرما تبر

... رفت صحرا مقداری هیزم و چوب آماده کرد و آمد و فروخت و چند سکه آورد و غذای داشتن و

فردا بیشتر کار کرد پس فردا بیشتر کار کرد و یواش یواش وسایل خونه خرید و شتر آبکش خرید تبر گرفت بعد که وضعش خوب شد

بر اثر کار و تلاش رفت محضر پیامبر با زنش

پیامبر فرمود بله من گفتم هر کسی از ما کمک بخواد یک درهم دو درهم اما برای چی این دو درهم برای یک روزتم همیشه

ولی اگه از خدا کمک بخوای خدا الان شما رو بی نیاز کرد

اخوی که از سپاه اومد بیرون همسرم داشتن

دانشگاه درس میخوندن شب تا صبح میرفتن پلاستیک سازی توی قم

صبح تا غروب میرفتن کلید سازی کار میکردن درسم میخوندن

... الان ایشون مشاور معاون وزیر توی وزارت

شب تا صبح کار داشتن ماهم تعجب میکردیم چه نیرویی

خدا کم نیرو نداده به انسان هیچ وقت زن و بچه رو معطل نگذاشته

لعنت به اون مردی که زن و بچش رو معطل بزاره و دنبال کار و تلاش نره

حالا این کشور ماهم کشوریه که شما هیچ شغل دولتی رو که تو بازارم مغازه نداشته باشی حاج اقا کریمی دفتر آقای مکارم گفت یکی اومد گفت آقا من بیکارم گفت بهش پول دادیم یه فرغون تهیه کرد بلال میفروشه بلال (ذرت) از همین درمیاره یه ۱۰ کیلو ۵۰ کیلو میوه میاره تا شب درمیاره اگه کسی اهل کار و تلاش باشه ها

حالا چرا بعضی از مردها اینجورن آیا خانواده مثلا پدر و مادر خوب تربیت نکردن؟ چی بوده؟ چه چیزی باعث شده تن پرورن اینا

میخوان مثل شاهزاده ها باشند! دیدین شاهزاده ها کار نمیکنن

همین شاهزاده پهلوی هم چند روز قبل توی مصاحبه گفت پدر محرومم شاه مرد ۶۳ میلیون دلار برامون گذاشت

میلیون دلار از پول بیت المال ، بابا ۳۵ میلیارد دلار شاه از ایران پول خارج کرد ۶۳ میلیون میگفت ۶۳ میلیارد برده شاه

اونم زمانی که دلار ۷ تومن بوده نه ۷ هزار تومن ها ۷ تومن حالا اینجوری

بله احسنت کاخ دارن شرکت نفی دارن خیلی چیز دارن یه جزیره دارن اینا یه جزیره خریدن یه جزیره توی خارج

.خدا لعنتشون کنه همون شاه عذابش رو بیشتر کن هم اینو هم اونو عذاب دنیا و آخرت بده

مرد مسئول ادب خانواده

پیامبر مهربانی فرمودند از وظایف پدر این است که فرزند را ادب بیاموزد!

مقابل یکدیگر پارا دراز نکردن-فحش ندادن-دعوا نکردن-برهنه نشدن مقابل یکدیگر-بالباس زیر {
مقابل هم ظاهر نشدن

حضرت امام بدون جوراب دیده نشدند..ولی می بینیم بعضی .مردها با شلوارک بیون می آیند!

-صداهای ناجور از خود درنیاوردن و...اینها جزو ادب است

جلوتر از والدین راه نرفتن-رعایت حرمت استاد و افراد سالخورده و رعایت ادب بزرگان...

از الفاظ رکیک دوری کردن-اجتناب از ناسزا گفتن حتی به دشمنان

در حال راه رفتن غذا نخوردن. که در روایت آمده درحالا راه رفتن غذا خوردن از پستی است.انوقت ما

می بینیم که دختری هستند که در خیابان بستنی یا ساندویج می خورند..پسرهایی که تو خیابان راه
می روند و می خورند و...

ایستاده ادرار کردن از بی ادبی است!..قبل از وارد شدن به اتاقی که درش بسته است، در

بزنید....تواتوبوس مسافری نباید حرکات نامناسب انجام بدهند مثلا زن و مرد به ناز و عشوه هم
پردازند!

گاهی دیده شده که زن و مردی حالا زن و شوهر هستند یا نه!معلوم نیست. ولی جلو بقیه مسافرها
حرکات ناشایستی انجام می دهند!....گاهی دیده شده زنها و دخترها تو خیابون گیس و گیس کشی
.راه می اندازند و کلیب و فیلم انها را گرفته در فضای مجازی می گذارند

دخترها جلو برادر و پدر لباسهای تنگ و نامناسب می پوشند! درحالی که خیلی ها می گفتند ما تو
عمرمون موی سر مادرمون رو ندیدیم چون همیشه پوشیده بودند!.... بعضی از مردم از روی ادب اسم
همسر خود را جلوی دیگران نمی آورند بلکه می گویند مثلا مادر علی این نشانه ادب ان مردم است.

سینه زنانی که در عزاداری لخت می شوند بی ادبی و بی حیایی هست.....

وقتی در کوچه و خیابان می رویم اگر در خانه ای باز است نباید به داخل ان نگاه کنیم این خلاف
!ادب است..... بعضی با زیرپوش میاند دم درخانه

بعضی مردها و پسرها طوری شلوار می پوشند که وقتی برای کاری خم میشوند نصف پشت و باسن انها
!پیدااست مخصوصا تو خیابونا

بعضی خانم ها و دخترها هم لباسی می پوشند که ناف اونها پیدااست!!

شخصی محضر رسولخدا امد و گفت وقتی من گناه می کردم ایا خدا مرا می دید؟ رسولخدا فرمود
اری. این شخص انچنان شرمنده شد که ناله ای کرد و از دنیا رفت

مرد مسئول تربیت دینی خانواده

پیامبر مهربانی فرمود پدر باید به فرزندش قرآن یاد بدهد. باید از هفت سالگی او را به نماز وادار کند. باید بر رفقای او نظارت داشته باشد. نباید بگذارد عمر فرزند تلف شود. مرتب او را نصیحت کند مانند لقمان که نصیحت های او به فرزندش در قرآن سوره لقمان آمده است.

پدر نباید در زمینه تربیت دینی فرزندش بی تفاوت باشد و کوتاهی کند فقط در زمینه مشکلات مادی فرزندش احساس مسولیت نماید و فقط اگر لباس یا کفش نداشت به فکرش باشد.

ما پدرمان به همه برادر خواهرها مون قرآن را تعلیم فرمود و در این زمینه برای ما خیلی زحمت کشید. و هر روز چند ساعت با ما قرآن کار می کرد ابتدا روخوانی قرآن بعد حفظ قرآن...

یک نفر برنج فروش بود وقتی مشتری نداشت قرآن می خواند. از او پرسیدم شما قرآن کجا یاد گرفتی؟ گفت بچه بودیم در روستا زندگی می کردیم پدرمان از شهر یک ملا برای تعلیم قرآن من و داداشم آورد و او به ما قرآن یاد داد.

هر ادمی دیدید قرآن بلد نیت مقصر اولیه پدرش است که در این زمینه کوتاهی کرده است. همچنین در زمینه نماز فرزندان باز اینجا پدر مسول است وقتی خودش نماز نمیخواند یا مسجد نمی آید همین روی فرزند اثر منفی دارد.

خانمی می گفت پسر من بیست سالشه نماز نمی خواند. پرسیدم پدرش می خواند؟ گفت نه. گفتیم اولاً باید وقتی پسرت بچه بود رو نمازش کار می کردید دوم اینکه وقتی پدر بی نماز است فرزند هم اینگونه میشود مگر بعضی موارد استثنایی

گندم از گندم بروید جو زجو

اگر فرزند نمازخوان شد به نفع خانواده است چون از خیلی از آسیب ها درامان می ماند والا
فرزند بی نماز زمینه کار خلاف دارد و تو کارهای زشت می افتد و آبروی خانواده را میبرد و
مشکلات زیادی برای خانواده ایجاد می کند

خانمی مومن و اهل مسجد می گفت شوهرم راننده کامیون است و همیشه در سفر! پسر م که بی
نماز است! به انواع خلاف ها مثل مشروب خوردی! دوست دختر! و...الوده شده اخیرا خودزنی م
به انها اضافه شده که باقمه و چاقو خود را زخمی می کند!

اری اگر نماز را ترک کردیم زمینه پیروی از گام های شیطان را پیدا می کنیم...پس قدر نماز که یک
داروی مجانی ولی دارای اثر معجزه اسا در جلوگیری از انحرافات است را بدانیم و فرزندان خود را از
کودکی به نماز وادار نماییم و انها را نمازخوان بار بیاوریم....

مرد مسئول سلامت خانواده

پدر در زمینه سلامت جسم و روح اعضای خانواده مسؤل است..جلو ازدواج فامیلی را بگیرد زیرا بیش از شصت درصد معلولین کشور بخاطر ازدواج فامیلی است

پدر باید جلومصرف خوراکی های مضر را بگیرد.پدری می گفت پسر من هر روز باید نوشابه بخورد!خب بعدش دیابت و انواع مرضها سراغش می اید و زحمتش به دوش والدین است

پدر باید خانواده را سحرخیز بار بیاورد.کسانی که زود می خوابند و زود بیدار میشوند از بقیه سالم ترند

نباید پدر در درمان بیماری انها بی تفاوت باشد به موقع درمان کندتا دچار مشکل نشوند.

..همیشه سیب و عسل و گردو تهیه کندو خانوادها را به خوردن خوردنی های مفید تشویق نماید...

اثرات بسیار خطرناک بسته شدن نطفه در مکان یا زمانهای نامناسب

رعایت نکردن دستورات اسلام درباره زمانها ومکانهای مکروه درموقع بسته شدن نطفه گاهی باعث تولد فرزندان که جسم ویا روح معیوب دارند میشود

در مکارم الاخلاق طبرسی وبحار این چنین آمده که : رسول خدا به علی فرمود

.

یا علی! به هنگام آمیزش سخن مگوی، که اگر فرزندی در آن حال متولد شود، از لال شدن ایمن نباشد. همچنین نباید کسی در عورت همسر بنگرد که نگاه به عورت او، موجب نابینایی (کوری)

فرزند می شود. یا علی! با همسر خود با یاد و میل زنان دیگر جماع مکن، که می ترسم اگر فرزندی پا بگیرد، دیوانه وابنه ای و در صفت زنان باشد. یا علی! کسی که جنب است یا همسرش در بستر می باشد، قرآن نخواند، که می ترسم آتش فرود آید و هر دو را بسوزاند

یا علی! نزدیکی مکن مگر آن که تو و همسرت هر یک دستمال و پارچه ای جداگانه داشته باشید و با یک چیز خود را پاک نکنید که شهوت بر شهوت ننشیند و بین شما عداوت انگیزد و کارتتان به طلاق انجامد.

یا علی! ایستاده جماع مکن که این کار الاغ است، و اگر فرزندی در این حال به وجود آید، دربستر بول نماید و چون الاغ همه جا بول کند

یا علی! زیر دخت میوه دار نزدیکی مکن که اگر فرزندی حاصل شود، جلاد یا آدمکش و یا کاهن شود.

یا علی! در برابر خورشید و آفتاب نزدیکی مکن، مگر آن که خود را از نور با پرده ای بپوشانید. در غیر این صورت اگر فرزندی به دنیا آید، همواره در فقر و نکبت به سر برد

یا علی! بر پشت بام جماع مکن که حاصل آن، فرزندی منافق و ریاکار و بدعت گذار باشد

یا علی! بین اذان و اقامه جماع مکن که در این صورت اگر فرزندی پدید آید، به خونریزی حریص باشد

یا علی! با زن حامله ات جز با وضو نزدیکی مکن که اگر فرزندی متولد شود، کوردل و بخیل گردد

یا علی! در شب عید فطر جماع مکن که حاصل آن فرزندی شرور باشد. در شب عید قربان جماع مکن که اگر فرزندی به هم رسد، شش انگشت و چهار انگشت شود. همچنین در شب نیمه شعبان نزدیکی مکن که حاصل آن فرزندی آبله رو و زشت منظر و زشت مو خواهد بود

یا علی! در اواخر هر ماه - دو روز مانده به آخر ماه - جماع مکن که اگر فرزندی شود یاور ستمکاران باشد و گروه مردمان را به هلاکت رساند

یا علی! شبی که عزم مسافرت داری، جماع مکن که اگر فرزندی به دنیا آید، مالش را به نا حق مصرف کند؛ زیرا تبهذیر کنندگان برادر شیطانند. در طریق سفر تا سه شبانه روز از آغاز سفر نزدیکی مکن که اگر فرزندی متولد شود، معین و یاور ستمکاران گردد

یا علی! شب های دوشنبه آمیزش کن که اگر فرزندی حاصل شود، حافظ قرآن گردد و به قسمت خدا خشنود باشد

یا علی! اگر شب های سه شنبه جماع کنی و فرزندی آید، شهادت روزی او گردد پس از آن که به یگانگی خدا و نبوت من شهادت دهد، و خداوند با مشرکان عذابش نکند و دهانش خوشبو باشد. این فرزند رحم دل و دست و دل باز است و زبانش از دروغ و بهتان پاک خواهد بود

یا علی! اگر شب پنجشنبه آمیزش کنی و فرزندی به وجود آید، یا حاکم و یا عالم گردد. اگر روز پنجشنبه به هنگام رفتن خورشید از وسط آسمان نزدیکی کنی و فرزندی پا بگیرد، شیطان به او نزدیک نگردد و پر فهم باشد و خداوند سلامت دین و دنیا را روزی اش سازد

یا علی! اگر شب جمعه جماع کنی و در اثر آن فرزندی پدید آید، سخنگو و حرف زن باشد. و اگر روز جمعه پس از عصر نزدیکی کنی، دانشمند و معروف و مشهور گردد ان شاء الله تعالی

یا علی! در ساعت اول شب جماع مکن که ایمن نیستی فرزندت ساحر شود و دنیا را بر آخرت
برگزیند.

یا علی! وصیت مرا حفظ کن، چنان که من از برادرم جبرئیل حفظ کردم (مکارم الأخلاق، ص 209-
(211؛ بحار الأنوار، ج 103، ص 282-283)